

تحلیلی بر چرایی و چگونگی واگذاری امتیاز نفتی سینکлер

دکتر سهم‌الدین خزائی^۱

چکیده

با کشف نفت اهمیت کشور ایران در صحنه‌ی بین‌الملل بیش از پیش افزایش یافت. وقوع جنگ‌های اول و دوم جهانی و اهمیت روزافزون انرژی نفت هم در صنایع نظامی و هم در دیگر صنایع، باعث شد تا توجه کشورهای صنعتی و از جمله آمریکا به سمت خاورمیانه و ایران جلب شود. آمریکا که از پیش در خاورمیانه نفوذ کرده بود، برای بهره‌برداری بیشتر از نفت خاورمیانه متوجه ایران شده و روابط سیاسی خود را با ایران آغاز کرد. اما انگلیس که رقیب اصلی آمریکا در ایران به حساب می‌آمد و از قبل منابع نفتی ایران را در اختیار داشت، این اجازه را به آمریکا نداده و از آن جایی که آمریکا در آغاز توان رقابت با انگلیس را نداشت موفق به کسب امتیازات نفتی از ایران نشد. تلاش آمریکا برای کسب امتیازات نفتی پس از جنگ جهانی اول بیشتر شده و مذاکرات خود را با ایران شروع کرده و موفق به کسب چندین امتیاز نفتی شدند. اما کارشکنی‌های انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس از یک طرف و هواخواهان داخلی انگلیس از طرف دیگر باعث شد تا همه‌ی تلاش‌های آمریکا در این مقطع زمانی بدون نتیجه باقی بماند. شرکت نفت سینکлер همزمان با قدرت‌گیری رضا خان سردار سپه یکی از این امتیازات نفتی را کسب کرد که همانند دیگر امتیازات این زمان نتیجه‌ای برای شرکت‌های آمریکایی دربر نداشت.

واژه‌های کلیدی: نفت شمال، شرکت سینکлер، مازور ایمبری، شیخ خزعل، سردار سپه.

۱) استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان

مقدمه

موقعیت جغرافیایی ویژه‌ی خاورمیانه که به عنوان پلی بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند واقع شده، به کشورهای این منطقه در سیاست جهانی اهمیت خاصی بخشیده است. تنگه‌های مهمی چون سوئز، هرمز و مناطق آبی مهمی چون خلیج فارس و دریای سرخ در این منطقه قرار دارند که اهمیت آنها در استراتژی جهانی بر کسی پوشیده نیست. خلیج فارس آنچنان اهمیتی دارد که استعمارگران از بدو ورود به منطقه بر سر تصاحب آن جنگ‌ها برپا کردند. همچنین راه مستقیم دسترسی روسیه به اقیانوس هند از یک طرف و دریای مدیترانه از سوی دیگر از این منطقه می‌گذرد، و نیز خاورمیانه قسمتی از راه اروپا به هندوستان و کشورهای حاصلخیز جنوب شرقی آسیا و بازارهای مصرف آن منطقه است. این منطقه در واقع محل اتصال و تلاقی اروپا و آفریقا و آسیا است و برای هر سه قاره ارزش سوق‌الجیشی فوق‌العاده‌ای دارد. نفت یکی از مهمترین دلایل اهمیت خاورمیانه برای قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا بود. ذخایر زیرزمینی این منطقه از بزرگترین حوزه‌های نفتی جهان به شمار می‌رود. وجود این ماده‌ی مهم اقتصادی از مهمترین دلایلی است که توجه کشورهای غربی به ویژه انگلستان و آمریکا را در طول سده‌های نوزده و بیست به کشورهای خاورمیانه معطوف داشته است. یکی دیگر از مزیت‌های نفت منطقه‌ی خاورمیانه ارزان بودن و دسترسی ساده به آن می‌باشد. (شیخ نوری، ۱۳۷۰: ۸۶) نفتی که در کشورهای خاورمیانه استخراج می‌شد به مراتب چندین برابر از نفتی که در دریای شمال استخراج می‌شود ارزانتر است، زیرا نفت این منطقه در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد و نیاز به حفر چاه با عمق زیاد ندارد. از طرف دیگر کشورهای نفت خیز منطقه تکنولوژی و امکانات فنی برای استخراج و پالایش نفت نداشته و برای به دست آوردن نفت و سود حاصله از آن مجبور بودند به شرایط کمپانی‌های نفتی تن در دهند. وجود حکومت‌های نالایق و ضعیف و مردمان فقیر و نداشتن متخصص، مشوق مهمی برای شرکت‌های نفتی اروپایی و آمریکایی بود که به منطقه خاورمیانه روی آورند.

علاوه بر این‌ها در ضمن جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۹ م.) آمریکا به یکی از قدرت‌های اداره‌کننده‌ی جنگ تبدیل شد که بیشتر صادرات نفتی آن در سال‌های آغاز جنگ به کشورهای اروپایی بود. در خلال جنگ جهانی اول به دلیل انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷ م.)، اروپا از دسترسی به نفت روسیه محروم شد و به دنبال این رویداد مهم آمریکا به انبار نفتی اروپا مبدل شد که در مجموع بیشتر نیازهای نفتی اروپا را تأمین می‌کرد. هنگامی که آمریکا به جنگ جهانی اول وارد شد به دلیل اینکه باید نیازهای نفتی متفقین، صنایع نظامی آمریکا و مصرف داخلی و

معمولی مردم را تأمین کند دچار مشکل شد. به این جهت ویلسون رئیس جمهور آمریکا، برای سازمان دادن به امور نفت اداره‌ی سوخت را ایجاد نمود. هر اندازه که جنگ شدت می‌گرفت و طولانی‌تر می‌شد نیاز به نفت بیشتر احساس می‌شد، تا جایی که در سال ۱۹۱۷ م. ۱۳۳۶ هـ.ق. تقاضا برای نفت از میزان منابع موجود در آمریکا فزونی گرفت. به این جهت مسوولین آمریکا برای جبران کمبود نفت اقدام به خرید نفت مکزیک کردند و تدابیری در جهت صرفه‌جویی در مصرف داخلی اتخاذ نمودند. افزایش تقاضا برای نفت، قیمت نفت را افزایش داد. با توجه به اهمیتی که نفت در طول جنگ پیدا کرد و افزایش قیمت آن بعد از جنگ جهانی اول بهره‌برداری از منابع نفت خارجی در سیاست خارجی آمریکا جایگاه مهمی پیدا کرد. قبل از جنگ مصرف داخلی در حدی بود که تولیدات داخلی کفایت می‌کرد، اما در جنگ صنایع رشد کرد و تولیدات به دلیل شرایط جنگی افزایش یافت که در نتیجه مصرف نفت فزونی گرفت. این آهنگ رشد صنایع بعد از جنگ هم ادامه یافت و نیاز به نفت نه تنها به دوران قبل از جنگ برگشت بلکه بیشتر هم شد. (اصفهانیان و ولی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۸)

باتوجه به نیاز آمریکا به نفت خارجی و ویژگی‌های نفت خاورمیانه، بهترین و اقتصادی‌ترین منطقه‌ای که می‌توانست نفت مورد نیاز آمریکا را تأمین کند منطقه خاورمیانه بود. بنابراین دسترسی به نفت ارزان و فراوان شرق میانه، قوی‌ترین انگیزه ورود آمریکا به این منطقه بود. از این‌رو در فاصله بین دو جنگ شرکت‌های آمریکایی کوشش‌هایی به عمل آوردند که در نفت خاورمیانه سهمی شوند. در این زمینه آمریکا چون در طول جنگ جهانی اول کمک‌های زیادی به انگلستان کرده بود بعد از جنگ توانست انگلیسی‌ها را وادار نماید که آن کشور را در نفت خاورمیانه شریک سازند و در نتیجه ابتدا در عراق و سپس در عربستان و کویت امتیازهای نفتی به دست آورد. (شیخ نوری، ۱۳۷۰: ۸۳-۸۴) شرکتهای آمریکایی تا شروع جنگ جهانی دوم تقریباً حدود چهل درصد تولید نفت و حدود نیمی از منابع نفتی موجود خارج از آمریکا و خارج از شوروی را در اختیار گرفته بودند. (بیتتر، ۱۳۷۱: ۴۶) در سال ۱۹۳۹ م. ۱۳۱۸ هـ.ش. همزمان با شروع جنگ جهانی دوم بحران نفت در آمریکا بروز کرد که وزارت داخله‌ی آمریکا ادعا نمود منابع نفتی آن کشور فقط برای سیزده سال می‌تواند احتیاجات کشور را تأمین کند. اعلام این مطلب و حمایت دولت آمریکا از شرکت‌های نفتی فعالیت گسترده این شرکت‌ها را در نقاط نفت‌خیز دنیا برانگیخت. با شعله‌ور شدن آتش جنگ و ادامه آن، نیاز نفتی و تلاش برای رفع آن در آمریکا فزونی گرفت. اهمیت نفت خاورمیانه در خلال جنگ جهانی دوم برای آمریکا آشکارتر شد و تلاش شرکت‌های نفتی با همکاری دولت برای رسیدن به نفت خاورمیانه فزونی گرفت. (لسانی، ۱۳۵۷: ۲۸۷-۲۸۸ و ۳۸۵) شرکت‌های نفتی آمریکا همراه با

دولت، با علم و آگاهی به خصوصیات و ویژگی‌های نفت خاورمیانه و اهمیت حیاتی آن برای اداره‌ی صنایع، فعالیت وسیع و عمیقی را بعد از جنگ جهانی دوم برای تسلط بر منطقه‌ی خاورمیانه از سرگرفتند و به رقابت سنگینی با انگلستان و شوروی پرداختند. در ضمن اینکه آمریکا با انگلستان برای جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه همکاری می‌کرد، برای بیرون راندن انگلستان از خاورمیانه با آن کشور رقابت گسترده‌ای را آغاز کرد. (بورونو، ۱۳۶۴: ۶۲)

آغاز روابط ایران و آمریکا

آمریکاییها نخستین اقدامات خود برای ورود به درون ایران را در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه.ش) با اعزام مسیونرهای مذهبی به منظور تبلیغ آئین مسیحیت در میان نسطوریان ارومیه آغاز کردند. در سال ۱۸۳۰ م. ۱۲۰۸ ه.ش. نخست یک هیأت سه یا دو نفره از امریکائی‌هایی که با این هدف برای شناسایی حوزه‌ی جدید تبلیغات مذهبی وارد خاک ایران شدند به ارومیه وارد شدند و با رؤسای آسوری برای انجام خدمات مسیونری مشغول مذاکره شدند. (بیل، ۱۳۷۱: ۲۵/۱؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۶۶۸) هیأت مسیونرهای خارجی امریکایی پس از دریافت گزارشات این گروه، به اعزام نخستین هیأت مسیونری خود به ارومیه در سال ۱۸۳۵ م. ۱۲۱۵ ه.ش. مبادرت کردند. (یسلسون، ۱۳۶۷: ۴۲) آنها تا عهد ناصری بی‌باکانه به انتشار مطالب مذهبی خود اقدام می‌کردند. (موجانی، ۱۳۷۵: ۳۵)

کشمکش‌های سخت استعمارگران روس و انگلیس در سده‌ی نوزده در ایران، دولتمردان قاجار را بر آن داشت تا برای تضعیف قدرت روزافزون این دو رقیب در جستجوی نیروی سومی برآیند. (روبین، ۱۳۶۳: ۳۷) میرزا تقی خان امیرکبیر نخستین شخصی بود که بدین امر پی‌برد و نخستین گام‌ها را برای برقراری رابطه با آمریکا آغاز نمود (آدمیت، ۱۳۶۲: ۵۷۳؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۳۲۲) زیرا از نظر امیر کشور آمریکا به دلیل آنکه در آن زمان چهره‌ای بشر دوستانه و غیر استعماری داشت، برای این امر سخت مناسب بود. اقدام امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ ه.ق. ۱۸۵۱ م. منجر به امضای عهدنامه‌ای میان دو دولت گردید که به دلیل عزل امیرکبیر از صدارت نتیجه‌ای را دربر نداشت. (یسلسون، ۱۳۶۷: ۵۷؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۳۲۲-۳۲۳) تلاش مجدد برای برقراری ارتباط میان ایران و آمریکا پنج سال بعد نیز پیگیری شد که باز هم نتیجه‌ای دربر نداشت. (احیائی، ۱۳۸۲: ۲۹)

مناسبات رسمی سیاسی ایران و آمریکا

در ۲۱ مه ۱۸۸۱ م. جان فاستر سفیر آمریکا در پترزبورگ به جمیز بلین وزیر خارجه آمریکا گزارش داد که سفیر ایران در روسیه اصرار دارد سفیری از آمریکا به تهران فرستاده شود زیرا دولت ایران مشاهده کرده که مردم ایران تا حد زیادی از میسیونرها حساب می‌برند. به علاوه ممکن است منافع متقابلی در نتیجه تجارت عایدش گردد. پیغام فاستر نشان داد که از دیپلمات آمریکایی در ایران استقبال خواهد شد و این کار به برقراری تجارت وسیعی بین دو کشور خواهد انجامید و به دنبال آن در ابتدای سال ۱۸۸۳ م. / ۱۲۶۱ ه. ش. (۱۳۰۰ ه. ق.) در دوره ریاست چستر آلن آرتور سفارت خانه‌ی آمریکا در تهران تأسیس شد و ساموئل بنجامین نخستین وزیر مختار آن کشور برای انجام مأموریت‌های سیاسی به ایران وارد شد. (یلسون، ۱۳۶۷: ۵۷-۶۳) اما سفارت‌خانه ایران در آمریکا پنج سال بعد تأسیس گردید، از این‌رو در سال ۱۸۸۸ م. / ۱۲۶۷ ه. ش. (۱۳۰۵ ه. ق.) حسینقلی خان معتمدالوزرا که پس از بازگشت به حاجی واشنگتن معروف شد پسر میرزا آقاخان نوری از طرف ناصرالدین شاه برای مدت یک سال رهسپار واشنگتن گردید. (رضازاده ملک، ۱۳۵۰: ۱۷۷) بدین ترتیب روابط سیاسی ایران و آمریکا رسماً آغاز گردید.

آمریکا و نفت شمال

ایران و نفت آن در جریان جنگ جهانی اول مورد توجه آمریکا قرار گرفت. آمریکا به خاطر سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری از نفت ایران، کسب امتیاز در نواحی شمالی ایران با خروج روسیه از این منطقه، ایجاد پایگاه علیه شوروی در جنگ احتمالی زمانهای بعدی و همچنین نیاز به منابع نفتی جدید برای پیشرفت صنایع، توجه خود را به سوی ایران معطوف کرد. (شیخ نوری، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۲) به دنبال مخالفت آمریکا با قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و تسلط کامل انگلیسیها بر ایران، آمریکاییها و شرکتهای آمریکایی در ایران فعال شده و درخواست امتیاز نفت نمودند (آبراهام سیلسون، ۲۵۴). اما در این زمان آمریکا هنوز به اندازه‌ی کافی قدرتمند نبود تا بتواند با انگلیس در ایران رقابت کند و به همین دلیل تلاش‌های شرکتهای آمریکایی برای کسب امتیازات نفتی تا جنگ جهانی دوم بی‌نتیجه باقی ماند.

یکی از قراردادهای نفتی که در همین دوره میان ایران و آمریکا بسته شد و در نهایت هم به صورت عجیبی خاتمه یافت و بدون نتیجه ماند، قرارداد نفتی سینکلر اوایل کمپانی بود.

ماجرا از این قرار است که در ۳۰ آبان ۱۳۰۰ ه. ش. / ۲۱ نوامبر ۱۹۲۱ م. و در پی مذاکران وزیر مختار ایران و نمایندگان شرکت استاندارد اوایل نیوجرسی در مورد اعطای امتیاز نفت ایالات شمالی ایران به شرکتهای آمریکایی، مجلس شورای ملی

لایحه‌ی دولت مبنی بر اعطای امتیاز ۵۰ ساله‌ی استخراج و بهره‌برداری از معادن نفتی ایالات پنجمانه شمال ایران (آذربایجان، استرآباد، مازندران، گیلان و خراسان) به شرکت استاندارد اوپل نیوجرسی را در پنج ماده تصویب کرد که بر اساس آن مجلس شورای ملی امتیاز نفت این پنج ایالت را به مدت ۵۰ سال و با عایدی صدی ده از کلیه‌ی نفت و مواد نفتی مستخرجه از چاهها قبل از کسر هزینه‌ی تولید را با شرایطی که بعداً مشخص خواهد شد را به این شرکت آمریکایی واگذار کرد و مشخص کرد که شرکت مزبور حق واگذاری این امتیاز را به هیچ دولت یا شرکت خارجی دیگری نخواهد داشت. (ساتن، ۱۳۷۲: ۵۳) دولت انگلیس و سپس شوروی به تصویب این امتیاز در مجلس اعتراض کردند. (ذوقی، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۰) به دنبال مذاکرات آمریکا و انگلیس و توافقی که میان آنها حاصل شد، در ۲۸ فوریه ۱۹۲۲ م. / ۹ اسفند ۱۳۰۰ ه. ش. توافقنامه‌ای میان شرکت استاندارد اوپل و شرکت نفت ایران و انگلیس بسته شد که بر اساس آن شرکت جدیدی به نام «شرکت نفت ایران و آمریکا» با مشارکت دو طرف تشکیل شد تا به بهره‌برداری از منابع نفت شمال ایران بپردازد. اما دولت ایران این قرارداد مشارکتی را نپذیرفت (همان، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۲) تا این که در زمان قوام‌السلطنه، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی طرحی را در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۰۱ ه. ش. / ۱۳ ژوئن ۱۹۲۲ م. به مجلس ارائه داده و خواستار اصلاح برخی از مواد (ماده اول و پنج) قانون اعطای امتیاز نفت شمال ۳۰ آبان ۱۳۰۰ ه. ش. شدند. مجلس نیز در ۲۵ خرداد ضمن اصلاح قانون ۳۰ آبان ۱۳۰۰ به دولت اختیار داد تا امتیاز نفت شمالی را به شرکت استاندارد اوپل و یا هر شرکت معتبر مستقل دیگر آمریکایی واگذار نماید به این شرط که شرکت امتیاز گیرنده بتواند مبلغ ده میلیون دلار قرضه به وسیله‌ی بانکهای آمریکایی در اختیار دولت ایران بگذارد. ماده پنجم قانون ۳۰ آبان به این ترتیب اصلاح شد که شرکت امتیاز گیرنده حق واگذاری حقوق خود را به دولت و یا شرکت دیگری ندارد. (ساتن، ۱۳۷۲: ۵۵)

شرکت استاندارد اوپل با تصمیم مجلس شورای ملی ایران موافقت کرده و به دنبال کسب امتیاز با شرایط جدید مجلس بود که در همین زمان یک شرکت نفتی آمریکایی دیگر به نام سینکلر وارد جریان شد. شرکت نفت سینکلر پیش از آن موفق شده بود اداره نفت معادن بادکوبه و اجازه استخراج معادن نفت شمال جزیره ساخالین را از دولت شوروی کسب کند. این شرکت قصد داشت با به دست آوردن امتیاز نفت شمال ایران آن را از طریق قفقاز به یکی از بنادر دریای سیاه حمل و صادر کند و برای این کار از قبل مجوز حمل نفت شمال ایران را از دولت شوروی به دست آورده بود (همان: ۵۶؛ ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۴). بنابراین هم مشکل حمل و صدور نفت شمال ایران و هم مشکل برخورد با شرکت نفت ایران و انگلیس را پیشاپیش حل کرده بود.

نماینده شرکت سینکالر در اوت ۱۹۲۲ م. / مرداد ۱۳۰۱ ه. ش. به تهران آمد و پیشنهادات خود را به دولت ایران ارائه داد و به رقابت با شرکت استاندارد اویل پرداخت (وزیری، ۱۳۸۰: ۱۵۷). هر دو شرکت در این رقابت سعی می‌کردند تا با پیشنهاد بهتری صاحب امتیاز نفت شمال ایران شوند.

پیشنهادات نماینده‌ی شرکت نفت سینکالر از این قرار بود:

-مدت امتیاز بین چهل تا پنجاه سال باشد.

-اراضی بایر دولتی که مورد احتیاج امتیاز گیرنده است به صورت مجانی واگذار شود و اراضی دایر دولتی و خصوصی به قیمت عادلانه خریداری شود.

-کلیه‌ی اثاثیه و ملزومات برای عملیات امتیاز از کلیه‌ی حقوق گمرکی و عوارض معاف باشد.

-امتیاز گیرنده شرکت یا شرکت‌هایی برای استخراج نفت تشکیل خواهد داد و تعهد میکند کلیه‌ی سهام شرکت مزبور به صورت انحصاری در دست ایرانیان و آمریکایی‌ها باشد و نیز تعهد می‌کند که سهام مزبور را به هیچ دولت یا شرکت خارجی انتقال ندهد و در صورت تخلف امتیاز ملغی باشد.

-سایر شرایط امتیاز طبق قانون مربوط به شرکت نفت استاندارد و با توافق طرفین تنظیم گردد (همان).

گروهی از سردمداران دولت و نمایندگان مجلس و روزنامه‌نگاران به هواخواهی از شرکت استاندارد اویل و گروهی دیگر به طرفداری از شرکت نفت سینکالر وارد درگیری شدند. هواخواهی استاندارد اویل از جانب سفارت انگلیس در تهران و شرکت نفت ایران و انگلیس و طرفداران شرکت سینکالر از جانب سفارت شوروی حمایت میشدند. دولت ایران نیز پیشنهاد اولیه‌ی هر دو شرکت را رد کرد، ولی در سرانجام شرکت سینکالر در ۲۰ سپتامبر ۱۹۲۳ م. / ۲۹ آذر ۱۳۰۲ ه. ش. موفق شد قراردادی با دولت ایران منعقد نماید که به موجب آن امتیاز استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی چهار ایالت از پنج ایالت شمالی ایران به شرکت نفت سینکالر واگذار شد و در ماده‌ی چهارم قرارداد نیز آمده بود که دارنده‌ی امتیاز نمی‌تواند حقوق خود را به هیچ دولت و یا شرکت خارجی منتقل نماید (ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۵).

رضا خان سردار سپه نیز در جشن واگذاری امتیاز به شرکت نفت سینکالر بیان کرد که اعطای این امتیاز به یک شرکت آمریکایی هم مقدمه‌ی روابط مستحکمتری میان ایران و آمریکا است و هم به ایران کمک می‌کند تا سلطه‌ی اقتصادی انگلیس و روسیه را از میان بردارد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۸).

پس از واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکت نفت سینکالر، دولت انگلیس، شرکت نفت ایران و انگلیس، شرکت استاندارد اویل و هواخواهان ایرانی آنها در کنار هم قرار

گرفته و تلاشهای پیوسته‌ای را در آمریکا و ایران به زیان این شرکت نفتی آغاز کردند (ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

در همین زمان رویدادهایی در آمریکا به زیان سینکлер شکل گرفت. بر اساس خبری که در اواخر سال ۱۹۲۳ م. در روزنامه‌های آمریکایی منتشر شد وزیر کشور آمریکا معادن نفتی ذخیره شده برای نیروی دریایی آمریکا را با دریافت ۲۶۰ هزار دلار رشوه از سینکлер به شرکت وی اجاره داده بود. یکی از سناتورهای آمریکا به نام والش نیز به زیان وزیر کشور و شرکت سینکлер اعلام جرم کرد. به همین دلیل سینکлер به گناه اجاره کردن منابع نفت ذخیره‌ی نیروی دریایی آمریکا و پرداخت رشوه محاکمه و زندانی شد. با انتشار این اخبار دولت شوروی قرارداد خود را با شرکت سینکлер فسخ کرد و با فسخ این قرارداد تنها راه صدور نفت شمال ایران مسدود شد (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۴۱-۳۴۲؛ ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۰۶) و با این پیشامد شرایط بهره‌برداری از امتیاز تا حدود زیادی از دست رفت و چون شرکت از صدور نفت شمال ایران مأیوس شد، به دولت ایران اطلاع داد که چون دولت شوروی اجازه نخواهد داد که نفت ایران از طریق شوروی صادر گردد از امتیاز صرف نظر می‌نماید (زرنگار، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

با مسدود شدن راه صدور نفت شمال ایران برای شرکت سینکлер، دولت انگلستان نیز شروع به مانع‌تراشی در مقابل اعطای این امتیاز کرد. به موجب قرارداد ایران و شرکت نفت سینکлер قرار بود این شرکت وامی به مبلغ ده میلیون دلار از طریق بانک‌های آمریکایی برای ایران فراهم نماید. بانک مورگان برای پرداخت این وام پیشنهاد کرد که از یک طرف مؤسسات مالی انگلیس با آمریکایی‌ها در دادن این وام مشارکت داشته باشند و از طرف دیگر حق‌الامتیاز دریافتی دولت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس بابت نفت جنوب و همچنین عوارض گمرکات جنوب کشور به عنوان وثیقه‌ی وام منظور گردد. زمانی که دولت تقاضای تصویب قرارداد شرکت نفت سینکлер را از مجلس کرد، دولت انگلیس ضمن اعتراض به دولت اعلام کرد که به واگذاری حق‌الامتیاز دولت ایران از نفت جنوب به عنوان وثیقه برای وام از آمریکا رضایت نخواهد داد و به این ترتیب پرداخت وام به ایران غیرممکن شد (ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۶). بنابراین یکی دیگر از شرایط واگذاری امتیاز نیز حاصل نشد.

افزون بر آن برخی از روزنامه‌های آمریکایی سینکлер را متهم به پرداخت رشوه به وزیر خارج ایران برای کسب امتیاز کردند. روزنامه‌های ایرانی هوادار انگلیس نیز آمریکاییها را مورد حمله قرار داده و به فساد و رشوه‌خواری در دستگاه کولیج، رئیس جمهور آمریکا اشاره کردند (روزنامه نیویورک تایمز، مورخ ۸ فوریه ۱۹۲۴؛ به نقل از ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). سردار سپه در سخنانی گفت که جنگ مطبوعاتی در آمریکا و ایران به زیان سینکлер به تحریک انگلیسیها صورت می‌گیرد (روزنامه ایران، ۸ اسفند

۱۳۰۲؛ به نقل از ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). جبهه مخالفان داخلی نیز با حمایت انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس توطئه‌های خود در ایران را دنبال می‌کردند. قیان شیخ خزعل در خوزستان و ماجرای سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی و قتل نایب کنسول آمریکا دو نمونه از این رویدادها بود.

کمیته قیام سعادت و اعلام استقلال شیخ خزعل

شیخ خزعل که توسط انگلیسی‌ها حمایت می‌شد در خوزستان اعلام استقلال کرده و خواستار برکناری رضاخان از مقام نخست‌وزیری گردید. وی با کمک برخی از مشایخ خوزستان و رؤسای ایل بختیاری سر به شورش به زیان دولت مرکزی برداشت و با تشکیل کمیته‌ی قیام سعادت و تهییج عشایر و قبایل خود و خوانین بختیاری مانند امیر مجاهد، مرتضی قلی خان بختیاری، حاج شهاب‌السلطنه سردار حشمت، سالار ظفر و با همدستی برخی از نمایندگان اقلیت مجلس شورش خود را علنی کردند (ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). قیام سعادت ظاهراً به نام احمد شاه قاجار و به هواداری از وی و برگرداندن او به ایران صورت گرفت، ولی احمد شاه که در پاریس به سر میبرد با این قیام موافق نبوده، به تلگرام‌های خزعل جواب نداده و حتی به نماینده‌ی شیخ خزعل، رئیس‌التجار محمره‌ای، و کمیته قیام سعادت که برای ملاقات شاه به خارج رفته بود وقعی نگذارد (مکی، ۱۳۵۷: ۱۷۹).

در واقع قیام سعادت شیخ خزعل و تحریکات و دسیسه‌های همدستان او در پایتخت جزئی از برنامه‌ی دولت انگلیس و شرکت نفت جنوب برای این بود که حکومت مرکزی را تهدید کرده و در تنگنا قرار دهد تا به واسطه‌ی آن از نفوذ آمریکایی‌ها در منابع نفتی شمال ایران جلوگیری کرده و انحصار منابع نفتی ایران را از دست ندهد (ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

ماجرای سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی در تهران

معجزه دادن سقاخانه، امری غیرعادی است و به قول عبد الله مستوفی سقاخانه جایی نبوده که بشود گفت معجزه می‌داده؛ زیرا نه محل شهادت کسی بوده، نه محل قبر صاحب کرامتی و از طرفی هم مکان این سقاخانه در چهارراه آقا شیخ هادی بود که در آن زمان محله‌ای اعیان‌نشین در تهران محسوب می‌شده است. (مستوفی، ۱۳۲۴: ۶۱۷-۳/۶۱۸) اما مدتی بود که در تهران شیاعی مبنی بر اینکه در سقاخانه‌ی محله‌ی آقا شیخ هادی تهران معجزاتی روی داده است (همان: ۳/۶۱۹؛ هدایت، ۱۳۶۱: ۳۶۵). برخی معتقدند که این سقاخانه به یکباره پدید آمد و مورد توجه مردم تهران قرار گرفت (فرخ، بی‌تا: ۲۱۸؛ هدایت، همان-جا) جدای از اینکه منشأ این شایعه مبهم

بود، خیلی سریع در شهر پخش شد. ملک الشعراء بهار علت این امر را شایعه پراکنی نظمیه و همینطور حالت روانی در مردم می‌داند که منتظر امور و وقایع جدید در جامعه بودند (بهار، ۱۳۶۷: ۲/۱۱۵). همین شایعات باعث شد تا مردم سراسر تهران برای نذر و نیاز راهی سقاخانه آقا شیخ هادی شوند. یکی از این معجزات این بود که یک نفر بابی که قصد داشته در سقاخانه سم بریزد با معجزه‌ی سقاخانه کور شده است. به دنبال همین شایعه تظاهراتی به زیان بایبها نیز برگزار شد (هدایت، ۱۳۶۱: ۳۶۳). مردم نیز بازار و محله‌های اطراف سقاخانه را چراغانی کرده و از زائران پذیرایی می‌کردند (فرخ، بی‌تا: ۱۸۷). دستجات متعددی به صورت هیأت‌های مذهبی به سوی سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی به حرکت درآمدند. این حرکت‌ها توأم با دادن شعارهایی بر ضد بابی‌ها بود و حتی هیکل‌های پارچه‌ای را به‌عنوان سمبول بایبها آتش می‌زدند (مکی، ۱۳۵۷: ۹۳-۳/۹۹). مخالفین سردار سپه نیز در توسعه‌ی این تظاهرات اصرار می‌کردند (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۹). حتی برخی آتش زدن هیکل‌های پارچه‌ای را توهین به شخص رضا خان می‌دانستند، چرا که وی به بی‌دینی و علاقه نداشتن به مذهب نزد توده‌ی مردم معروف شده بود (مکی، ۱۳۵۹: ۴۳۶/۲).

در روز ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۳ ه.ش. / ۱۹۲۴ م. مازور رابرت ویتنی ایلمبری نایب کنسول آمریکا در تهران که از طرف مجله‌ی جغرافیایی ملی آمریکا نیز مأموریت داشت از مناطق تاریخی و مناظر دیدنی ایران عکس‌هایی برای آن مجله تهیه نماید (مکی، ۱۳۵۷: ۳/۹۴) همراه با بالوین سیمور تبعه‌ی آمریکا که در شرکت نفت جنوب کار می‌کرد و به علت خطایی که از او سر زده بود در سفارت آمریکا به حالت تبعید به سر می‌برد (همان‌جا) عازم خیابان آقا شیخ هادی شدند تا از سقاخانه عکسبرداری کنند. ابتدا مردم به بهانه‌ی منع عکس‌برداری از زنها، مانع کار وی می‌شوند، وی جای کار و ایستادن خود را عوض می‌کند، ولی باز هم مردم با نهادن کلاه جلوی دوربین مجدداً مانع وی می‌شوند. (همان، ۹۵) برخی معتقدند که در همین هنگام پاسبانی گوشزد کرد که عکاسی در این موقع بسیار خطرناک است، ایلمبری هم پذیرفت و به سوی کالسکه حرکت کرد ولی بعد مردم حمله کردند و به تصور اینکه عکس برداشته و از سوئی قصد مسموم کردن آب سقاخانه را داشته به وی حمله کردند، در حالی که آنها نمی‌دانسته‌اند که او کنسولیاریت سفارت آمریکا است. (فاتح، ۱۳۵۸: ۳۳۹-۳۴۰) برخی نیز معتقدند که پس از منع اولیه مردم، وی سماجت کرده و در وسط چهارراه، چهارپایه‌ی دوربین خود را به زمین نهاد و بعد با سختگیریهایی که از سوی مردم در منع عکاسی صورت گرفت عقب‌نشینی کرد و با سیمور سوار درشکه شدند. (مستوفی، ۱۳۲۴: ۳/۶۲۱) برخی نیز اعلام کردند که اینها همان بهایی‌ها هستند که قصد مسموم کردن آب سقاخانه را داشته‌اند و سپس مردم را به کشتن این افراد تشویق کردند. (بهار،

۱۳۵۹: ۱۱۸-۱۱۹/۲؛ مکی، ۹۴: ۱۳۵۷-۳/۹۵؛ همو، ۱۳۵۹: ۲/۴۳۸؛ فرخ، بی تا: ۱۹۲) مردم با چوب و چماق به مازور ایمری حمله کرده و او را به شدت مصدوم می‌کنند. مردم حتی درشکه‌چی ای که ایمری پس از مصدومیت به آن پناه برده بود را کشتند. سپس سربازی که جایگزین درشکه‌چی شده بود تا ایمری را از معرکه دور کند را نیز کشتند، تا اینکه مأموران انتظامی سر رسیده و جسد نیمه جان وی را از زیر دست مردم درآورده و به بیمارستان شهربانی منتقل می‌کنند. مهاجمین به بیمارستان نیز حمله کرده و آنقدر ایمری را کتک می‌زنند تا جان خود را از دست می‌دهد. (مکی، ۱۳۵۷: ۹۳-۹۶/۳؛ بهار، ۱۳۶۷: ۱۰۸-۲/۱۰۹؛ ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۱۲)

حال زمان بهره‌برداری از رویدادهای پیش آمده به سود شرکت نفت جنوب و شرکت استاندارد اوایل بود. به دنبال قتل مرگ نایب کنسول آمریکا در ایران، دولت آمریکا اعلام حکومت نظامی کرده و به همین دلیل نمایندگان هواخواه انگلیس در مجلس که خود نیز نقشی در ماجرا داشتند، دولت سردار سپه را استیضاح کردند (ذوقی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در پی رویداد سقاخانه‌ی آقا شیخ هادی و قتل مازور ایمری بود که شرکت نفت سینکالر به طور قاطع از صحنه‌ی نفتی ایران کنار گذاشته شد. در واقع شرکت سینکالر به صورت رسمی اعلام کرد که تصمیم دارد از امتیاز نفت شمال صرف نظر کند (وزیری، ۱۳۸۰: ۱۶۲)، و میتوان گفت که در نخستین رویارویی آمریکا و انگلیس در ایران پیروزی از آن انگلیسیها بود. (بهار، ۱۳۵۷: ۵۵۲) به این ترتیب واگذاری امتیاز به شرکت نفت سینکالر بدون نتیجه باقی ماند و شرکت استاندارد اوایل و شرکت نفت ایران و انگلیس و مخالفان سردار سپه توانستند در این مقطع زمانی به منافع خود دست یابند.

نتیجه

امتیاز نفت شمال پس از جنگ جهانی اول مسأله ای بود که پای سیاستمداران و شرکتهای آمریکایی را به ایران باز کرد. در واقع به دنبال نیاز بیشتر به انرژی نفت پس از جنگ جهانی اول، شرکتهای سرمایه دار آمریکایی تمام تلاش خود را به کار بستند تا بتوانند از ایران امتیاز نفت شمال را بگیرند. چهار شرکت آمریکایی و از جمله شرکت نفت سینکالر در تلاش خود برای رسیدن به امتیاز نفت شمال موفق بودند و توانستند سیاستمداران ایرانی را راضی کنند تا امتیاز نفت شما را به آنها بدهند. اما با کارشکنیهایی که شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت بریتانیا از یک طرف و هواداران ایرانی آنها از طرف دیگر به کار گرفتند افزون بر اینها رقابت داخلی میان شرکتهای آمریکایی نیز باعث شد تا نه شرکت سینکالر و نه هیچکدام از دیگر شرکتهای آمریکایی در این برهه از زمان نتوانند از امتیاز به دست آورده بهره‌ای ببرند و جای

پای خود را در ایران محکم کنند. در واقع باید گفت آمریکا هنوز از آن چنان قدرتی برخوردار نبود که بتواند به رقابت با دولت انگلیس در ایران بپردازد و از آن طرف دولت انگلیس نیز به هیچ وجه راضی به این نمی‌شد که دولت دیگری در منافع نفتی ایران با او شریک شود. به همین دلیل تمام تلاش خود را به کار می‌بست تا مانع نفوذ دیگر دولت‌ها در منافع نفتی ایران شوند.

منابع و ماخذ:

- احیائی، زینب، مستشاران آمریکایی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- اصفهانیان، داود و محمد ولی پور، «ظهور آمریکا و زمینه‌های مقدماتی نفوذ تدریجی آن در عرصه سیاسی ایران»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۳۷-۷۴.
- آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.
- بورونو، نفت و سیاست ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک و میانه، ترجمه ماشاءالله ربیع زاده، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۶۷.
- بهار، مهدی، میراث خوار استعمار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۱ و ۲، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۷.
- بیل، جیمز، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، ج ۱، تهران: روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷.
- پنتیر، دیوید، «نفت بین‌المللی و امنیت»، ترجمه هومن شاهمیری، اطلاعات اقتصادی و سیاسی، شماره ۶۱-۶۲، ۱۳۷۱، صص ۴۴-۴۵.
- ذوقی، ایرج، مسایل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، تهران: دانش پرور، ۱۳۸۷.
- رضازاده ملک، رحیم، تاریخ روابط خارجی ایران و ممالک متحده آمریکا، تهران: طهوری، ۱۳۵۰.
- روبین، باری، جنگ قدرتها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: آشتیانی، ۱۳۶۳.
- روزنامه ایران، ۸ اسفند ۱۳۰۲.
- زرنگار، اصغر، سیاست‌های نفتی قدرتهای بزرگ در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴.
- ساتن، الول، نفت ایران، ترجمه رضا رئیس طوسی، تهران: صابرین، ۱۳۷۲.
- شیخ نوری، محمدا میر، تاریخ نفت در ایران و خاورمیانه، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران: پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۸.
- فرخ، سید مهدی، خاطرات سیاسی فرخ: تاریخ پنجاه ساله معاصر، تهران: انتشارات

- جاویدان، بی‌تا.
- کرزن، جورج. ن.، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- لسانی، ابوالفضل، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگی من یا تاریخ اداری و اجتماعی قاجاریه، ج ۳، تهران: علمی، ۱۳۲۴.
- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳: انقراض قاجاریه و تشکیل سلسله پهلوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- موجانی، علی، بررسی مناسبات ایران و آمریکا، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- وزیری، شاهرخ، نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: عطایی، ۱۳۸۰.
- هدایت، مهدی قلی مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، چاپ سوم، تهران: زوار، ۱۳۶۱.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران بعد از جنگ جهانی دوم تا سقوط سلسله پهلوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- یسلسون، آبراهام، روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.